

آنسوی آب

قدیمی ترین زندانی ایتالیا از خشونت متنفر است

مسیر سبز

■ **ورلد کرائنج**: آنتونیو مارانو ۲۰ساله بود که برای اولین بار دستگیر شد. اتهام او دزدیدن دوچرخه، موتوسیکلت و مقداری قفل فل فل بود. موتوری که او آن زمان دزدیده بود حالا بیشتر به درد گذاشتن در سوزه می خورد تا سواری. مارانو متولد مسالی در نزدیکی کاتانیاست، مثل هر دانش‌تان قرن نوزدهم، پدر او زارع و مادرش خانه‌دار بود و او از بچگی همراه پدرش در مزرعه مشغول به کار شد. حالا ۴۱ سال از آن روزها گذشته و آنتونیو کماکان پشت میله‌های زندان زندگی می کند. از اکتبر ۱۹۷۱ که پلیس ها به او دستبند زدند او دیگر رنگ آزادی را ندیده است: «من به ۱۶ ماه حبس محکوم شده بودم و فکر می کردم بعد از گذراندن دوران محکومیتم دوباره پیش زن و بچه‌ام برمی گردم اما هیچ وقت از زندان خارج نشدم.» زندان او را تبدیل به یک مجرم واقعی کرد و مارانو به دلیل ارتکاب قتل به حبس ابد محکوم شد. هر جور حساب کنید او باسابقه ترین زندانی ایتالیاست، به نظر می رسد لایحه غفو بسیاری از زندانیان ایتالیایی به زودی تصویب خواهد شد اما مشکل اینجاست که در کشوری که حتی متهمان به قتل و کارهای تروریستی می توانند برای چند روز هم که شده به مرخصی بروند مارانو هیچ وقت چنین تجربه ای را پشت سر نگذاشته. حیوانا جویوا که به عنوان داوطلب به زندانی ها کمک می کند عقیده دارد که شرایط آنتونیو نسبت به گذشته

بسیار بهتر شده است. دو سال قبل جیوانا توانست با پیگیری هایش برای آنتونیو یک روز مرخصی بگیرد. آنتونیو به محض خروج از زندان پالرمو به خانه اش رفت تا جلو پای همسرش زانو بزند و از او عذرخواهی کند. آنتونیو که می دانست تا آخر عمرش باید به دیوارهای سلولش نگه کند به همسر و چهار فرزندش التماس کرد که بی خیال او شوند و زندگی جدیدی را تجربه کنند. جیوانا در طول مدتی که با آنتونیو آشنا شده از او هم نامه دریافت کرده هم نقاشی حضرت مریم و مشکلی برای افشایی این قضیه ندارد. او می گوید: «آنتونیو نماد سیستم اشتباه قضایی ایتالیاست.» مارانو دوران محکومیتش را در زندان های مختلفی پشت سر گذاشته. بعد از مرخصی یک روزه از زندان پالرمو تا امروز مسوولان زندان تورین دو بار به او مرخصی داده اند. مرخصی هایی که زمانش روی هم به ۲۰ ساعت نمی رسید او می گوید: «بهترین زندان معمولی برای من زندان فوایگنانا بوده و بدترین جاساساری در بین زندان هایی با درجه امنیتی بالا هم بهترین جا و گرا بوده و بدترین اسپنار!» آنتونیو از بس که روز و شبش را در زندان سپری کرده حالا کارشنان خوبی برای قضاوت کردن در مورد شرایط زندان هاست و شروع به نوشتن راهنمایی در مورد زندان های ایتالیا کرده است:

«هزات اعدام بهتر از حبس ابد است. دوست ندارم خودکشی کنم چون از نظر یک سیسیلی اصل این کار نشان دهنده ترس است بنابراین امیدوارم آنها مرا بکشند. زمانی که جیوانا جویوا برای اولین بار آنتونیو را ملاقات کرد، مارانو آدم شناخته شده ای برای سیستم قضایی ایتالیا بود چرا که در طول دوران محکومیتش با هر جور خلافتکاری هم بند بوده و شاید همنشین با اعضای مافیا و آدم راهباها باعث شد تا آنتونیو به جز کشتن دو نفر در زندان قصد جان دو نفر دیگر را هم نکند. در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی زندان های ایتالیا حتی یک روز هم آرامش نداشتند و هر روز شورش و حادثه ای در زندان ها رخ می داد. اولین قتل مارانو مربوط به زمانی می شود که او در زندان کاتانیا بود: «به دلیل دفاع از دوستم مجبور شدم جان یک نفر دیگر را بگیرم.» دفعه دوم هم او جان یکی از اعضای باند خلافتکاران ناپل را گرفت تا انتقام دوستانش را از این مجرم بگیرد: «اگر زمان به عقب برگردد همه چیز را پاک می کنم. در زندان بین حیواناتی زندگی کردم که مرا بدیل به حیوان کردند. شاید باور تان نشود اما من از خشونت متنفرم.»

کلکته آبی می شود

■ **بی بی سی**: طبق گفته مسوولان محلی شهر کلکته قرار است رنگ این شهر آبی شود. قرار است ساختمان های دولتی، وسایل حمل و نقل عمومی و خیابان ها به رنگ آبی روشن درآید. مسوولان البته از صاحبان ساختمان های خصوصی هم درخواست کرده اند تا در صورت امکان رنگ مجموعه شان را آبی کنند. کلکته که مرکز بنگال غربی محسوب می شود بیشتر از ۱۴ میلیون نفر جمعیت دارد و حالا مسوولان شهری می خواهند با تغییر دادن رنگ شهر و نزدیک کردن آن به رنگ آسمان به شعارشان – آسمان محدود است – برسند. این موضوع را افراد حکیم مسوول بخش توسعه کلکته به روزنامه اسپکسپرس هند گفته است. به جز ساختمان های دولتی و خصوصی، رنگ تاکسی ها از زرد به آبی روشن و سفید تغییر خواهد کرد ضمن آنکه صاحبان ساختمان های خصوصی نباید دل شان را به کمک دولتی ها خوش کنند چراکه پول رنگ کردن را باید از جیب خودشان پرداخت کنند. سبحان چاتر جی شهردار کلکته عقیده دارد که آبی رنگ زیبا و آرامش بخشی است، با این همه خیلی ها مثل او فکر نمی کنند و این طرح مخالفان زیادی در بین سیاستمداران و رسانه ها دارد و خیلی ها طرح تغییر رنگ را کاری عجیب و البته غیر ضروری می دانند. روزنامه تلگراف کلکته در مطلبی به این نکته اشاره کرده که رنگ کردن شهر اگرچه در ذات خود اقدامی به نفع شهر است اما وقتی خرج های ضروری دیگری وجود دارد دلیلی ندارد که شهر تبدیل به گالری هنری شود. این اقدام البته تنها مختص کلکته نیست و شهرهای دیگر هند هم رنگ های مخصوص خودشان را دارد. شهر جابور در شمال هند به دلیل رنگ صورتی اش معروف است.

هندی ها عاشق استفاده از اسلحه هستند

تفنگمو با خودت ببر

ترجمه: **ر امین طبرسی**

لس آنجلس تایمز: ویکرامجیت سینگ هر وقت که بشود در مورد یکی از سوزه های مورد علاقه زندگی اش صحبت می کند: تفنگ. او حداقل ۱۰ اسلحه دارد و تعداد دقیق دارایی هایش را به درستی نمی داند. کاربرد یکی از اقوام به زندان افتاده و از آنجایی که چند سال خانوادگی دوباره سر باز کند. او پدربزرگش را برای این اختلافات از دست داده و پدرش هم به علت کشتن یکی از اقوام به زندان افتاده و از آنجایی که چند سال قبل بین اقوام او آتش بس اعلام شد ویکرامجیت شانس حضور در یکی از جنگ های بزرگ ایالت پنجماب را از دست داد.

او می گوید: «داشتن یک تفنگ خوب جزو الزامات است چرا که اولاً نمی دانید چه زمانی دوباره جنگ فامیلی به راه می افتد ثانیاً داشتن یک سلاح گران قیمت نماد و نشانه وضعیت شمامست و آدم نمی تواند با تفنگ قدیمی ایسنور و آنور برود» در سرزمین گاندی که زندگی تقدس ویزهای بین اقوامش داشتت این روزها هیچ کسی از داشتن اسلحه سرش را پایین نمی اندازد و بالا رفتن در آمدها باعث شده که داشتن آخرین مدل اسلحه های گرم تبدیل به نوعی فرهنگ شود به خصوص آنکه حوادث تروریستی سال ۲۰۰۸ در بمبئی هندی ها را مصمم تر کرد همیشه مسلح باشند با اینکه دولت هند سختگیری زیادی برای کنترل سلاح ها دارد اما تا امروز نزدیک به ۴۰ میلیون سلاح در دست هندی ها دیده شده که آنها را از این حیث تبدیل به دومین کشور دنیا کرده است. ۵۸ درصد این سلاح ها مجوز ندارد و در شرایطی که برای هر صد آمریکایی، ۸۹ سلاح وجود دارد این آمار در هندوستان سه به صد است. در سال ۲۰۰۹ سلاح های هندی نقش اول ۸۰ هزار پرونده قضایی

بودند که نسبت به سال های قبل رشد داشته. جالب اینجاست که باوجود وفور سلاح های گرم در هندوستان تنها ۱۴ درصد از قتل های این کشور با سلاح گرم انجام شده و هندی ها ترجیح داده اند برای کشتن دیگران یا حتی خودکشی از کارد و قمه استفاده کنند. حالا که مردمان هند علاقه زیادی به داشتن سلاح گرم دارند و این قضیه برایشان تبدیل به ارزش شده دولت این کشور هم بیکار نبوده و در اولین قدم دارندگان سلاح را مجبور کرده که برای دارایی محبوب شان مجوز بگیرند.

در هند رسم شده که اسلحه گرم یکی از ارکان اصلی چیزی به باشد اما از آنجایی که بعضی از مردم این کشور جنبه دینن اسلحه سر سفره عقد را نداشتند و شادی عروس و داماد را با کشتن سهوی اقوام تبدیل به عزا کرده اند حالا خانواده ها کمتر سراغ استفاده از سلاح گرم در روز عروسی می روند به خصوص آنکه دولت و مقامات مسوول هم چندان از این رسم استقبال نکردند. برای قشر روزنامه خوان هند عادی

که در صفحات حوادث روزنامه ها با خبرهایی روبه رو شوند که در مورد قتل و خودکشی با سلاح گرم بوده است. بینالاکشمی نیرام فعال ضد اسلحه که دبیرکل بنیاد کنترل سلاح در هند است می گوید: «یا تا امروز بابت وفور سلاح در کشورمان هزینه نداده ایم؟ این تصور که هر کسی برای حفظ امنیتش نیاز به اسلحه دارد، کاملاً غلط است.» با اینکه دولت هند قانون مجوزدار کردن سلاح ها را تصویب کرده اما این قانون به راحتی

مجله ای برای زنان مسلمان ترکیه

خوش پوشی در کنار حفظ پوشش

ورلدکرائنج: چگونه می توان ضمن احترام گذاشتن به قوانین اسلامی سراغ آخرین های دنیای مد رفت؟ از ژوئن سال ۲۰۱۱ سردبیران مجله ترکیه ای «عالی» توانسته اند این کار را در محصول شان که ویژه مسلمانان ترکیه ای است، آرایه دهند. اسرا سزیز، سردبیر این مجله می گوید: «اینکه شما در کنار احترام گذاشتن به ارزش های اسلامی بتوانید طبق مد لباس پوشید کار کلاما ممکن است.»

سزیز ۲۴ ساله که از دو سال قبل وارد ترکیه ریه مجله شده یک روسری مشکی بسیار زیبا بر سر کرده، اعتراف می کند که البته کارشان آنچنان هم راحت نیست، چرا که گزینه های پیشنهادی آنها به خوانندگان شان نباید مغایر با حجاب اسلامی باشد و پوشش کامل زن در آن باید رعایت شده باشد. آنها برای جلد هشتمین شماره مجله شان از زنی استفاده کرده بودند که در عین خوش پوشی حجابش را هم رعایت کرده بود. مجله عالی وارد جزوای شده که رقبیان زیادی دارد و مجله های زیادی در حوزه زنان فعالیت می کنند که فروش اکثر آنها خوب است. مجله عالی هم فروش خوبی داشته و به جز ۳۰ هزار نسخه ای که در ترکیه می فروشند، ماهانه

پنج هزار خواننده هم در ترکیه دارد. به گفته مهمت ولکان اتای صاحب امتیاز مجله عالی- که بعد از دینن یک مجله انگلیسی مد ویژه زنان مسلمان وارد این کار شده – بسیاری از مجلات مد در ترکیه باب میل زنان سنتی این کشور نیستند، چیزی که در مورد عالی صدق نمی کند. او می گوید: «اکثریت خواننده های ما را زنانی تشکیل می دهند که خانواده های اصیلی دارند و تحصیل کرده هستند و شاید تنها فرق شان با سایر زنان علاقه شان به اسلام است.» موفقیت مجله عالی، خیلی ها را تحت تاثیر قرار داده است. سودا



دنیاگردی



قابل نقض است و هر کسی از طریق پارتی بازی با پرداخت رشوه می تواند مجوز حمل اسلحه بگیرد. نکته دیگری که باعث خوشحالی صنف عاشقان اسلحه شده وجود شخصی به نام جوگراج سینگ است که به دلیل تجارت اسلحه در هند اسم و رسم خوبی برای خودش جور کرده و حالا دنبال توسعه کارش است چراکه درآمد فروش اسلحه برای او خوب بوده. داشتن اسلحه برای هندی ها انقدر مهم است که بعضی از کله گنده های هندی از طریق لابی هایشان لایحه قانونی کردن حمل اسلحه را به مجلس بررند.

گروهی به نام اسلحه برای صلح در فایلی ویدیویی در مورد محاسن داشتن اسلحه صحبت کرده و یک سری شعار تحویل ببینند گانش داده. راکشیت شارما دبیرکل این گروه عقیده دارد اگر در زمان حمله به هتل تاج محل بمبئی مهمانان این هتل اسلحه داشتند ممکن بود که عمق فاجعه اینقدر زیاد نباشد. او می گوید که دولت کشورش نگاه بدی نسبت به استفاده مردم عادی

از اسلحه دارد. دولت هند تلاش زیادی می کند تا با اتخاذ قوانین سفت و سخت به هر کسی اجازه داشتن اسلحه ندهد اما در بسیاری از ایالت های این کشور هیچ اعتنایی به این قوانین نمی شود و مافیای فروش اسلحه به راحتی کارش را جلو می برد.

یکی از فروشندگان اسلحه که از ۱۵ سال قبل تا امروز در این کار بوده می گوید: «درآمد شغل من خیلی خوب است و به راحتی می توان پول درآورد. ضمن

اینکه می توان ظرف چند ساعت اسلحه درست کرد و این یکی از محاسن کار ماست» آنهاایی که می خواهند وارد جامعه اسلحه داران هند شوند باید برای خرید یک اسلحه بین ۲۰ تا ۱۰۰۰ دلار هزینه کنند که این تفاوت قیمت به دلیل کیفیت جنس است.

ایام انتخابات بهترین زمان برای فروشندگان اسلحه است چراکه بازار تیراندازی و کشتار در این روزها بالا می رود و هر کسی هم توان خرید سلاح قانونی ندارد پس چه جایی بهتر از دلالتان غیرقانونی؟ قبلا هندی ها رسم داشتند که تا اولادشان توانایی و مهارت لازم برای کار با اسلحه را نداشته باشد به او تفنگ ندهند اما الان دیگر کسی به این رسم و رسوم توجه نمی کند چراکه جوانان هندی عاشق پدر دزن با سلاح هایشان به یکدیگر هستند. کار به جایی رسیده که بچه های پولدار هندی در خیابان ها سر اینکه کدام شان بهترین و گران قیمت ترین اسلحه را دارند با هم رقابت می کنند و پلیس به منظور برخی مصلحت ها از کنار این قضیه می گذرد. در چنین شرایطی کاملاً طبیعی است که نوع اسلحه فرد خانواده و طبقه اجتماعی او را مشخص کند. آنهاایی که پولدارند سعی می کنند اسلحه گران قیمتتری بخرند تا این گونه دارایی خودشان را به رخ یکدیگر بکشند.

شاید تصور اینکه هند تبدیل به غرب وحشی شود برای خیلی ها عادی شده باشد اما هستند افرادی که جنبه درست استفاده کردن از اسلحه را دارند. یکی از این افراد جاگدپ سینگ مدیر بانک است که همیشه سلاح مجوزدارش را همراه دارد و تا امروز بارها با همین تفنگ توانسته از پول مردم در برابر دزدان محافظت کند ضمن آنکه او نمی خواهد دخترانش را یتیم کند و این یکی دیگر از دلایل استفاده او از سلاحش است.

داستان پسری که با قلب نصفه زندگی می کند

قلب شیر

دیلی میل: وقتی رایان مارکوویس با آن شرایط ویژه اش به دنیا آمد – قلب او در هنگام تولد بیرون از بدنش بود – پزشکان فکر می کردند که او چند روز بیشتر زنده نخواهد ماند. شرایط رایان جزو موارد ندری محسوب می شد که سایر نمونه هایش حداکثر چهار روز زنده بودند. قلب او درست شکل نگرفته بود و در واقع رایان نیمی از قلبش را داشت – این ویژگی رایان را در جهان منحصربه فرد کرده – پزشکان ماه ها قبل از به دنیا آمدن رایان به خانواده او گفته بودند که قید این بچه را بزنند اما خانواده مارکوویس به طرز عجیبی با این پیشنهاد مخالفت کرده بودند و قمار آنها روی زندگی شان به خوبی جواب داد به طوری که رایان حالا در سخته جشن تولد سه سالگی اش است. مادر ۴۳ ساله رایان می گوید: «خواستیم همه چیز طبیعی پیش رود و به همین دلیل حرف پزشکان را قبول نکردیم. می دانستیم که اگر او زنده به دنیا بیاید، معجزه بزرگی رخ خواهد داد و حالا که رایان پیش ماست این معجزه اتفاق افتاده.»

اتفاقی که برای رایان افتاد تنها برای هشت نفر در بین یک میلیون تولد رخ می دهد و ۹۰ درصد جنین هایی که چنین شرایطی داشته باشند یا مرده به دنیا می آیند یا اینکه حداکثر سه روز زنده خواهند بود. مادر رایان ادامه می دهد: «مام فرضیات، زنده بودن او را نفی می کرد به خصوص آنکه تنها نیمی از قلب او درست کار می کرد.» فوریه ۲۰۰۹ که رایان در بیمارستان کودکان واشنگتن از طریق عمل سزارین به دنیا آمد

تیمی ۳۰ نفره از پزشکان متخصص مشغول بررسی آخرین وضعیت او بودند. خانواده رایان امیدوارند که بچه شان مثل تمام هم سن و سالانش بتواند بازی کند و از زندگی اش لذت ببرد البته او در آینده باید دوباره قلبش را به تیغ جراحان بسپرد تا لایه ای محافظ روی قلبش قرار گیرد و خیال خودش، خانواده اش و پزشکان را راحت کند. با اتفاقاتی که برای رایان افتاد پزشکان امیدوارند که بچه هایی با این شرایط شانس زیادی برای زنده ماندن داشته باشند.



بیمارستانی داخل موبایل

■ **دیلی میل**: بیماران انگلیسی دیگر برای چکاپ لازم نیست زحمت سر زدن به دکتر را به خودشان بدهند و به جای آن می توانند از طریق یک برنامه موبایل، سلامتی خود را زیر نظر داشته باشند. این برنامه بیشتر به درد کسانی می خورد که مجبورند هر روز آخرین وضعیت خود را چک کنند و آن را از طریق پیام کوتاه به مرکز کامپیوتری بفرستند. نتیجه بررسی های آنها ظرف چند دقیقه آنالیز و فوری جواب آن برای بیماران فرستاده می شود تا آنها بدانند در آن لحظه باید چه کاری انجام دهند. طرح این برنامه اداره سلامت انگلیس بوده که با این کار می خواهد جلوهزینه های غیرعادی بیماران را بگیرد ضمن اینکه اگر بیماران هر روز در جریان آخرین وضعیت شان قرار داشته باشند کمتر از دیگر موارد یکدفعه خودشان را از پا می اندازند. این طرح البته مخالفانی هم دارد و بعضی از پزشکان عقیده دارند که مجبور کردن بیماران به استفاده از این تکنولوژی اشتباه بزرگی است. آنها می گویند برای گروه خاصی از بیماران که سن و سالی از آنها گذشته رفتن به مطب و دیدن دکتر به مراتب بهتر از داللود کردن نرم افزار موبایل و استفاده از آن است. یکی از این افراد دکتر لارنس یاکمن رییس کمیته پزشکی اتحادیه پزشکان انگلیس است که به نظرش مجبور کردن افراد برای انجام دادن کاری بیپهوده است: «قبول کنید که افراد سالعند برای



استفاده از چنین برنامه ای آمادگی کامل را ندارند و ممکن است عواقب بدی در انتظارشان باشد البته عده ای هم از چنین چیزهایی خوش شان می آید و کلا دوست دارند که به خوبی از خودشان مراقبت کنند.» به عقیده او یکی دیگر از مضرات این طرح نیروی زیادی است که باید مسوول جواب دادن به سوال های بیماران باشد و به همین دلیل پزشکان و پرستاران از اصلی شان بازخواهند ماند. به گفته مسوولان اداره بهداشت و سلامت انگلیس در حال حاضر ۱۵ هزار بیمار از این برنامه استفاده می کنند و طی ماه های آینده قطعا افراد بیشتری جذب این سیستم خواهند شد. قبل اوکلن طرح این برنامه مدعی است که قرار نیست این سیستم جایگزین ویزیت های حضوری شود و تنها قرار است جلو حضورهای بی مورد بیمارها در بیمارستان گرفته شود. اندرو لاتزلی وزیر بهداشت انگلیس هم یکی از حامیان این طرح است. او می گوید وقتی مردم از طریق موبایل شان در جریان آخرین اخبار و خیلی موارد دیگر قرار می گیرند پس هیچ ایرادی ندارد که آنها بتوانند از این طریق مثلاً فصار خون شان را کنترل کنند و همیشه در جریان آخرین وضعیت جسمانی شان باشند.

مدرسه ای با یک دانش آموز



■ **دیلی میل**: مقامات یک مدرسه ابتدایی در انگلیس چاره ای جز تعطیلی مجموعه شان ندارند چراکه در کلاس های این مدرسه تنها یک دانش آموز حاضر می شود. ویلیام برویس چهارساله که از سپتامبر گذشته وارد مدرسه کورنهیل در نورثامبرلند شده حالا هیچ همکلاسی ای ندارد و این مدرسه اش تعطیل شده باید هر روز هشت سالگی در کلاس به مدرسه جدیدش برسد. تا چند روز قبل ویلیام در کلاس های پیش دبستانی مجموعه اش شرکت می کرد اما از آنجایی که هیچ خبری از دانش آموز دیگری در این مجموعه نیست، پدر و مادر ویلیام باید دنبال یک مدرسه جدید برای بچه شان بگردند چراکه تمام تیرهای مدرسه کورنهیل برای جذب دانش آموز جدید به سنگ خورده است. آنجا لایه از اینکه باید بفرودی شاهد تعطیلی مدرسه پسرش باشد، حسایی ناراحت است: «آنجا یک مجموعه کوچک بی نظیر است و ویلیام عاشق مدرسه اش بود، به خصوص آنکه تنها شاگرد مدرسه محسوب می شد و من از همه چیز این محیط رضایت داشتم.» حالا ویلیام باید هر روز مثل کارمندان مسیر نسبت طولانی را برای رسیدن به مدرسه جدیدش طی کند. خانواده او شش سال قبل به منطقه کورنهیل آمدند تا از آب و هوای این منطقه لذت ببرند. او تا چند روز قبل از اینکه پسرش در نزدیکی خانه شان به مدرسه می رود، خیالش راحت بود اما حالا باید هر روز غصه بچمایش را بخورد. به عقیده او اگر سایر خانواده های منطقه حاضر می شدند که بچه های شان را به مدرسه دهکده بفرستند، آن وقت دیگر اجباری به تعطیلی مدرسه نبود و او مجبور نمی شد هر روز بچمایش را مثل مسافرائی که قرار است به سفری طولانی بروند، بدرقه کند.